

پاسارگاد

اجرای تئاتر «کلبوس در بیداری» با کارگردانی ابراهیم اسدی زیدآبادی، سلسله‌ای از گفت‌وگورادرشریفاتسیرجان موجب شد. ابتدا سیدعلیرضا تقوی در «پاسارگاد» اسدی را به کبیی کردن اجرای «خشم و هیاهو» رایانی مخصوص متهم کرد. ابراهیم اسدی، سرپرست گروه تئاتر «میم» در مصاحبه با «نگارستان» تقوی را نسبت به فضا و شرایط تئاتر سیرجان و قوانین اجرا «جاهل» دانست. میلاد شهبانی‌نژاد، کارگردان تئاتر در یادداشت کوتاهی در «تسیم امید» حق را به ابراهیم اسدی داد که با توجه به عدم صدور مجوز نمایشنامه اصلی، چاره‌اندیشی کرده و برای هدر رفتن زحمات چندین‌ماهه گروه نمایشنامه‌رابطونویسی و اجرا کند.

در شماره بعدی پاسارگاد جوابیه‌هایی از ابراهیم اسدی، حمید موسوی و شورای نظارت به چاپ رسید. اسدی مجدداً به تقوی تاخت که بی‌اخلاق است و از پاسارگاد گلایه کرد که با چاپ یادداشت «تقوی» بدون تحقیق کافی، با آبروی حرفه‌ای افراد

بازی کرده است. جوابیه شورای نظارت بر نمایش تأکید می‌کرد که تئاتر مذکور در دو جلسه بازیبندی، نتوانسته مجوز اجرای عمومی را کسب کند، چرا که شورای نظارت بر نمایش همچنان آن را برگرفته از نمایشنامه «خشم و هیاهو» و ابراهیم اسدی را صاحب اثر ندانسته بود. در جوابیه شورای نظارت تأکید شده بود که اجراهای خصوصی ربطی به شورای نظارت ندارد و اگر حقی از نویسنده اصلی ضایع شده است، تمام عواقب آن، به گروه اجرایی بر می‌گردد. «مهرداد رایانی مخصوص» در گفت‌وگو با پاسارگاد تأکید کرد که ابراهیم اسدی برای اجرای نمایشنامه‌اش باید از اجازه می‌گرفته است. پس از آن هم مطالبی در این خصوص در سخن تازه و نگارستان به چاپ رسید.

در همین ارتباط ایک یادداشتی را می‌خوانید از امیرحسین طاهری، نایبرئیس انجمن هنرهای نمایشی استان که اتفاقات دو هفته گذشته را بررسی کرده است.

امیرحسین طاهری



هجده سال پیش، در قالب بسته‌های آموزشی مرکز هنرهای نمایشی ایران، حدود ۳۰ فیلم‌تئاتر از اجراهای آن زمان تهران را برای «انجمن نمایش سیرجان» تحویل گرفتم و به سیرجان آوردم. در بین آن‌ها، یکی هم «خشم و هیاهو» بود. مربوط به دوران دانشجویی «مهرداد رایانی مخصوص» که برای تعدادی از جوانان آن روزگار تئاتر سیرجان چنان جذاب بود که تصمیم گرفتند آن را مو به مو بازسازی کنند و به نام «خ مثل خشم» در معرض تماشاگران سیرجانی بگذارند. نه کسی در پایتخت از این اجرا با خبر شد و نه یکی دو نشریه محلی موجود و انگشت‌شمار کارشناسان تئاتر، نگاهی جدی به آن انداختند. آن چه که اجرای اخیر را از اجرای «خ مثل خشم» جدایی‌کننده تغییر شرایط زیست عمومی و فضای اجتماعی است. تکثر مطبوعات، افزایش کارشناسان دانشگاهی و هنرمندان تجربی تئاتر، و مهم‌تر از همه گسترش فضای مجازی که کوچک‌ترین رفتار و گفت‌وگو را ولو در حریم خصوصی، زیر نظر می‌گیرد و نشر می‌دهد.

تا به حال چندین نمایشنامه، چه تالیف و چه ترجمه، از نگارنده به کارگردانی دیگران در شهرهای مختلف ایران اجرا شده است؛ از جمله «خاتمه»، «دریست»، «وقتی کلابا جیو بود»، «بیشتر در» و «برهان». از برخی از این اجراهای بر حسب تصادف یا با تماس دوستانم مطلع شدم، و برای چند اجرایی هم با تماس کارگردانان، پیشاپیش مجوز صادر کرده‌ام. از سارقان که بگذریم، دیگری هم که به‌عقدقانونین سخت‌گیرانه‌ترین روزها، مجوزی گرفته بودند، هیچ یک مرز از زمان و مکان اجرا مطلع نکردند. فیلم اجرا و حتی پوستر و بروشور و عکسی از اجرای خود را برای من ارسال نکردند. بی‌افراق تنها کسی که به حق من وقتی نهاد، محمد یعقوبی بود که پیش از شروع تمرینات «برهان» مرا از نیت خود آگاه کرد. به جلسات تمرینات خود دعوت کرد و نظرات

پر هیاهو و خشمگین



مرا به دقت شنیدم، در تمام اقلام تبلیغی از خبر گرفته تا پوستر و تراکت و بیلبوردهای شهری نام‌مرا ذکر کرد، در روزهای اجرا به تهران دعوت‌م کرد و با هم برای گفت‌وگو به خبرگزاری مهر رفتیم. و در پایان از آورده مالی اجرامرا آگاه کرد و سهم مرا به عنوان مترجم پرداخت. محمد یعقوبی شهره است به صداقت و اخلاق خود نویسنده است و قدر زحمت و کار همکارهایش را می‌داند، و البته کارشناس حقوق است. هر چند بعدها خود او گلایه‌های بسیار کرد از اجرای بدون مجوز یا دستکاری نمایشنامه‌هایش در سیرجان، و من، لال!

تنها یعقوبی نبوده که از حق پایمال شده‌اش در استان کرمان گلایه کرده است. کورش زینعی، حمید امجد و این اواخر چیستا ثربنی وقتی از اجرای نمایشنامه‌هایشان مطلع شده‌اند، هر یک به طریقی اعتراض خود را نشان داده‌اند.

هر اثر هنری، قانونا و اخلاقا در مالکیت پدیدآورنده آن است. همان‌گونه که حق نظارم از باغ کسی بدون اجازه پسته بچینیم، همان‌طور که حق نظارم ماشین کسی را بدون اجازه برداشته و استفاده کنیم، چه نظارم حاصل اندیشه و تجربه و دانش و عرق‌ریزان روح هنرمندی را بدون اجازه او برداریم و استفاده کنیم. حتی اگر آن باغ حصار نداشته باشد، حتی اگر در آن ماشین قفل نباشد، حتی اگر آن نمایشنامه در بازار یا اینترنت به راحتی در دسترس باشد.

اما، اقتباس چه؟ بازنویسی چه؟ آیا اگر یک داستان را به نمایشنامه تبدیل کنیم، یا یک نمایشنامه را با تغییراتی بازنویسیم، آیا باید برای نویسنده اصلی حقی قایل شد؟ قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان در ماده ۲۳ خود به وضوح اعلام می‌کند: «هر کس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را به نام خود یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او نشر یا پخش یا عرضه کند به حبس تا ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می‌شود. یعنی حتی اگر فقط صحنه‌ای از آن را استفاده کنیم، و حتی اگر ذکر کنیم که نویسنده این صحنه، فلان نویسنده بوده است، باز هم استفاده‌ی بدون اجازه جرم محسوب می‌شود. وقتی که در دنیای شیشه‌ای زندگی می‌کنیم، واجب است قوانین و قواعد رایج را هم بدلیم و به آن‌ها عمل کنیم.

البته که این مبحث گاهی بیش از اندازه حقوقی و از حوصله خارج می‌شود. از دعوی بر سر فیلم «خاک» مسعود کیمیایی و شکایت محمود دولت‌آبادی که بگذریم، فیلم‌ساز یگانه‌ای چون داریوش مهرجویی برای فیلم «بری» که اقتباسی از داستان‌های «سلیبجر» و «متمهم به اقتباس بدون مجوز شد و فیلمش اجازه پخش در کشورهای دیگر را پیدا نکرد. عباس کیارستمی در فیلم «زندگی و دیگر هیچ» سکاسی داشت که در ماشین، برنامه «تقویم تاریخ» پخش می‌شد و چون رادیو در این برنامه از موسیقی ترانه معروف Time گروه «پینک‌فلوید» استفاده می‌کرد، برای نمایش فیلم در جشنواره‌های خارجی ناچار از حذف آن آهنگ و صداگذاری مجدد شد. موضوع شکایت شهاب‌الدین طاهری از فرج‌الله شحشور نویسنده و کارگردان سریال یوسف پیامبر را هم کمابیش یادمان هست؛ در نهایت

را بدهد که به حق مالکیت نویسنده احترام نگذیرم

در این غوغا، بسیاری با سرکوفت‌های تلخ و تند، به تعبیر نگارستان: تیغ بر ابراهیم اسدی می‌کشند و او را به کبیی‌برداری از اجرای «خشم و هیاهو» متهم می‌کنند. تأکید این گروه بر آن است که اجرای مذکور، نه صرفاً از نمایشنامه که در بازی و کارگردانی به فاقد خلاقیت بوده و فیلم اجرای «خشم و هیاهو» را ملاک میزانشن خود قرار داده است. ابراهیم اولین متهم به کبیی‌برداری نیست و چه بسا کسانی که این اتهام را به او می‌زنند، خود بیش و پیش از او در معرض همین اتهام‌اند. خوب است گروه اجرایی داوطلبانه در یک جلسه و واقعا خصوصی برای جامعه تئاتر، فیلم «کلبوس در بیداری» را در کنار فیلم «خشم و هیاهو» به نمایش بگذارد و قضاوت را به حضار بسپارد. اما آنان که به نام دوستی و به مرام خاله‌خرسه از ابراهیم حمایت می‌کنند که مگر کبیی‌برداری چه اشکالی دارد، و نمی‌شود هنرمند سیرجانی را به هنرمند تهرانی مقایسه کرد، بهتر است بدانند نه ابراهیم اسدی توانمندی

راه تئاتر است و نه کبیی‌برداری هیچ ربطی به هنر خلاق تئاتر دارد. از هنرمندی که حدود بیست سال بر صحنه تئاتر بازی و کارگردانی کرده، انتظار می‌رود که زبان و نگاه خود را پیدا کرده باشد. در شأن هیچ هنرمندی نیست که سطره‌ی اجرای قبلی نمایشنامه بر ذهن و جانش آن چنان عمیق شود که راه را بر هر خلاقیت و حرف تازه‌ی بیند. ابراهیم را در اجراهایی دیگر، خلاق و توانا و کاربلد دیدیم، و امید که باز هم ببینیم. در شهرستان‌هایی به مراتب کوچک و فقیر و بی‌امکانات‌تر از سیرجان هنرمندانی رشد کرده‌اند که مایه فخر ایران‌اند. همین حالا، فریدون ولایی در مراغه، رضا گشتاسب در یاسوج، کرمان شهبانی در کرمانشاه، و بسیاری دیگران با تلاش و مطالعه مستمر، هر ساله پای ثابت جشنواره فجرند و مشتاقان بسیاری را در تهران به تماشای آثارشان می‌کشاند. صاحب نگاه و صدای شخصی شده و کم‌کم تجارب بین‌المللی می‌آندوزند و جلوه‌ای از فرهنگ و هنر ایران را در جهان نمایندگی می‌کنند. با حمایت‌های رتور آواز هنرمند سیرجانی او را تحقیر نکنیم.

مهرداد رایانی مخصوص در گفت‌وگو با پاسارگاد اشاره کرده که تئاتر برای اخلاق است. نه بی‌اخلاقی. اهالی تئاتر که سنگ‌تحکیم پایه‌های اخلاقی جامعه را به سینه می‌زنند باید بیش از دیگران پایبند اخلاق باشند. اشارهای به گفته شیخ اجل که «معضبت از هر که صادر شود ناپسندیده است و از علما، ناخوب‌تر؛ که علم سلاح جنگ شیطان است و داوطلبان سلاح را چون به اسیری برند، شرمساری بیش برد.

عام نمان پریشان روزگار/ به ز دانشمند ناپرهیزگار/ کان به نابینایی از راه افتاد/ وین دو چشمش بود و در چاه افتاد.»

یکی از مواهب تئاتر، درک کار گروهی و مسئولیت اجتماعی است. اعضای یک گروه تئاتر می‌آموزند که یک اشتباه روی پرده، یک موسیقی بله‌جا، یک ورود یا خروج غلط بازیگر یا یاد بردن گفت‌وگو و کشتی بر صحنه، می‌تواند زحمات چندین‌ماهه یک گروه اجرایی را بر باد بدهد. همه ما به عنوان اعضای جامعه تئاتر؛ از منتقد گرفته تا هنرمند و مسئول صفحه هنری و نشریات، در قبال هم مسئولیم و موظفیم کاری نکنیم که با آبروی هنر ریشه‌دار تئاتر در شهر بازی شود. باز حکایتی دیگر از سعدی به خاطر می‌آید: «ناخوش آواری به بانگ بلند قرآن همی‌خواند. صاحب دلی بر او بگذاشت. گفت ترا مشاره چندست؟ گفت: هیچ. گفت: پس این زحمت خود چندین چرا همی‌دهی؟ گفت: از بهر خدای می‌خوانم. گفت از بهر خدا مخوان.

گر تو قرآن بدین نطق خوانی/ بیری رونق مسلمانی» کاش به جای پرداختن به حواشی، می‌شد به متن پرداخت و اجرای «کلبوس در بیداری» را از زاویه نویسندگی، کارگردانی و بازیگری بررسی کرد. در غوغای جنگ آن چه شنیده نمی‌شود، سخن آرام و حرف معقول است. نقش همه مطبوعاتی که به این رویداد پرداخته و تئاتر را راج گذاشتند، از شمند و قابل تقدیر است. مطبوعات چشم‌بینا و زبان‌گویای ملت‌اند و تعالی جامعه‌ی بی‌صورتمتقنانه‌ان‌ها ناممکن است.

اجرای طرح «نذر آب» در مناطق کم آب کرمان از اواسط مرداد ماه



پيامك: ۳۰۰۰۹۹۰۰۴۸۰۶

استانریس سازمان داوطلبان هلال احمر از برگزاری طرح نذر آب در مناطق جنوبی استان های سیستان و بلوچستان و کرمان از اواسط مرداد ماه خبر داد. محمد نصیری گفت: در این طرح سال گذشته خدمت درمائی، توزیع سبد کالاه و توزیع تلکراهی آب برای دسترسی مردم به آب شرب سالم انجام شد. اسامل نیز بارندگی‌ها در این مناطق مشکل را تا حدودی برطرف کرده اما همچنان دسترسی به آب شرب سالم در جنوب کرمان، قسمت‌هایی از خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و شرق هرزگان بسیار مشکل است. حتی در برخی روستاها آب‌رسانی همچنان با تلکراهی‌ها پشتیبانی نیست.

تکرار می کند هنوز را

رضا مسلمی زاده



بیست و دو سال از آغاز «جنبش اصلاحات» در ایران می‌گذرد و سمبل این رویداد، همچنان یکی از تاثیرگذارترین شخصیت‌های زنده در صحنه سیاسی کشور است. تا جایی که پس از آخرین انتخابات در توبیتی طلایی شایع شد: «انتخابات در ایران دیگر انتخابات نیست، بلکه انتصابات سیدمحمد خاتمی است.»

رهبان کاربزماتیک اصلاحات که مَهر «تکرار» بر انتخابات ریاست‌جمهوری، مجلس شورا، خبرگان و شورای شهر خوندنمائی می‌کند، در بی‌ناملکی‌های دولت تدبیر و امید برای تحقق وعده‌های انتخاباتی و انفعال نامقبول برخی از نمایندگان فرانکسیون «امید» چند وقت پیش اعتراف کرد: «من اگر تکرار هم کنم، دیگر مردم‌رای نمی‌دهند.»

این حرف نشانه‌ای از شنیدن صدای مردم از سوی اصلاح‌طلبان و دیدن واقعیات جامعه به حساب آمد و عده‌ای را به درانداختن طرحی نو از سوی این جناح سیاسی امیدوار کرد، اما جوهر آن سخنان هنوز خشک نشده بود که رئیس‌جمهور اسبق ایران گفت: «انتخابات را نباید تحریم کرد» و «قهر کردن یا صندوق رای، انحلال مردم است.»

حالا ظاهر این بار توجیه ایشان «شرایط حساس کنونی» ناشی از تحریم‌های یک‌جانبه و جنگ اقتصادی ترامپ است. «مردم ناراضی باید فداکاری و از خودگذشتگی کنند و به خاطر ایران پای صندوق‌ها بایند تا جلوی خطر گرفته شود.»

در صداقت و سلامت خاتمی شکی نیست. در میان معالمان ایشان هم عده‌ای بر این صداقت و سلامت شهادت می‌دهند. دغدغه‌های او که از شخصیت‌های بلندپایه نظام بوده و به آن اعتقاد قلبی و عقلی دارد، زیدآبادی دایگان قدرش را نمی‌داند.

تحويل دليجه به اداره محيط زيست



پاسارگاد

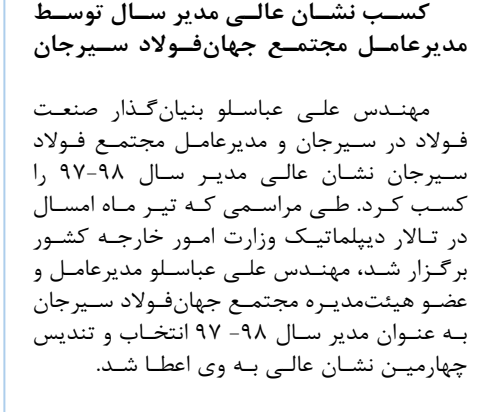
یک پهلله دلیجه به اداره حفاظت محیط زیست تحويل داده شد. به گزارش صادق خزیمه مسئول روابط عمومی اداره حفاظت محیط‌زیست سیرجان، محمد حسین عباسلو این پرند ه وحشی را فرزند زبخت سهند است که می‌شود که توان محیط‌زیست می‌دهد. پرند مذکور پس از درمان، در سلامت کامل به آغوش طبیعت‌بازمی‌گردد.

حکم شکار جانور را دارد که با متخلفین برخورد قانونی خواهد شد. گذشته از این موارد، نگهداری در منزل هم برای حیوان و هم برای ساکنین منزل آسیب‌رسان است. لذا همشهریان محترم که قطعاً همگی دوستدار فرزند زبخت سهند است، با در نظر گرفتن تملکی این موارد ما را در حفظ مواهب الهی بیشتر یاری نمایند.

سالمندی در کرمان به شدت در حال رشد است

پاسارگاد: مدیرکل بهزیستی کرمان گفت: سالمندی در استان کرمان به شدت در حال رشد است و امیدواریم به کمک سایر مجموعه‌ها بتوانیم به بهترین شکل این موضوع را مدیریت کنیم. به گزارش خبرنگار مهر عباس صلیق زاده گفت: ۶۶ مرکز وظیفه نگهداری چهار هزار نفر فرزند را بر عهده‌دارند. اظهار کرد: معین‌های اقتصادی باید در کنار سایر فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند باید در زمینه اجتماعی نیز همکاری کنند. صادق زاده با اشاره به اینکه تغییر نوع مصرف مواد از سنتی و صنعتی مطرح هست و هر سال روان‌گردان جدید آن هستیم، اظهار داشت: مصرف مواد روان‌گردان

مدیر عامل جهان فولاد سیرجان افتخار آفرید



کسب نشان عالی مدیر سال توسط مدیرعامل مجتمع جهان فولاد سیرجان

مهندس علی عباسلو بنیان‌گذار صنعت فولاد در سیرجان و مدیرعامل مجتمع فولاد سیرجان نشان عالی مدیر سال ۹۸-۹۷ را کسب کرد. طی مراسمی که تیر ماه امسال در تالار دیپلماتیک وزارت امور خارجه کشور برگزار شد، مهندس علی عباسلو مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره مجتمع جهان فولاد سیرجان به عنوان مدیر سال ۹۸-۹۷ انتخاب و تندیس چهارمین نشان عالی به وی اعطا شد.

غذای بیرون‌بر

ارایه غذا با بهترین کیفیت و مناسبترین قیمت به شرکته‌ها، اداره‌ها، ارگان‌ها و...

آدرس: خیابان امام - کوچه مسجد جامع - جنب نانوائی محمدی ۰۳۴ - ۴۲۲۰۳۹۹۶ و ۰۹۱۴۰۳۹۷۶۸۲ و ۰۹۱۳۹۴۵۸۲۶۲

مدیریت بارانی

Food out YEK & TAK

غذای بیرون‌بر

بیکه

با برنج هندی ۱۷/۰۰۰ ت	با برنج هندی ۱۶/۰۰۰ ت	با برنج هندی ۱۳/۰۰۰ ت	با برنج هندی ۱۰/۰۰۰ ت	با برنج هندی ۱۰/۰۰۰ ت	با برنج هندی ۱۷/۰۰۰ ت	با برنج هندی ۱۵/۰۰۰ ت
با برنج هندی ۱۸/۰۰۰ ت	با برنج هندی ۱۴/۰۰۰ ت	با برنج هندی ۱۱/۰۰۰ ت	با برنج هندی ۱۱/۰۰۰ ت	با برنج هندی ۱۸/۰۰۰ ت	با برنج هندی ۱۶/۰۰۰ ت	با برنج هندی ۱۸/۰۰۰ ت
با برنج ایرانی ۱۸/۰۰۰ ت	با برنج ایرانی ۱۴/۰۰۰ ت	با برنج ایرانی ۱۱/۰۰۰ ت	با برنج ایرانی ۱۱/۰۰۰ ت	با برنج ایرانی ۱۸/۰۰۰ ت	با برنج ایرانی ۱۶/۰۰۰ ت	با برنج ایرانی ۱۸/۰۰۰ ت
با برنج ایرانی ۱۸/۰۰۰ ت	با برنج ایرانی ۱۴/۰۰۰ ت	با برنج ایرانی ۱۱/۰۰۰ ت	با برنج ایرانی ۱۱/۰۰۰ ت	با برنج ایرانی ۱۸/۰۰۰ ت	با برنج ایرانی ۱۶/۰۰۰ ت	با برنج ایرانی ۱۸/۰۰۰ ت

انواع غذاهای ایرانی خاص

آماده عقد قرارداد با شرکته‌ها و اداره‌جات کلیه سفارشات جهت مجالس پذیرفته می‌شود

«کیفیت» رمز ماندگاری ماست

آدرس: خیابان امام - کوچه مسجد جامع - جنب نانوائی محمدی ۰۳۴ - ۴۲۲۰۳۹۹۶ و ۰۹۱۴۰۳۹۷۶۸۲ و ۰۹۱۳۹۴۵۸۲۶۲

مدیریت بارانی